

مافیای مدینه (آموزش اسلام در یک جلسه!)

در صفحات تاریخ اسلام بطور خلاصه خوانده ایم که مردم ساکن مکه، پس از آنکه از مزاحمت ها و خرابکاری ها و نفاق افکنی های اراذل و اوباشی که به گرد محمدابن عبدالله جمع شده بودند به ستوه آمده و تحمل تجاوزها و اخلاص گری های آنان در زندگی روزمره و آرامش شهر بر مردم گران آمده بود، مصمم شدند که با دارودسته محمد به مقابله برخیزند. تعقیب عمال و آدم های محمد با فراز و نشیب ها و هزینه ها و سختی هایی همراه بود، اما سرانجام مردم مکه موفق شدند آنها را از شهر خود برانند و آرامش را به زندگی خود بازگردانند.

شصت هفتاد نفری که به سرکردگی محمد در بیابان ها آواره شده بودند، پس از یک دوره گرسنگی و سختی و سرگردانی در صحراهای خشک، عاقبت به شهر مدینه که فاصله کوتاهی از مکه داشت رفته و در آن شهر ساکن می شوند. بخش اصلی و هیجان انگیز تاریخ اسلام از همین زمان شروع می شود که نطفه های سازمانی مافیایی و گانگستری مرکب از اوباش گریخته از مکه، بعلاوه شمشیرکش ها و گردنه بگیرها و قطاع الطریق های مدینه که به دو قبیله اوس و خزرج وابسته بودند شکل یافته و ظهور می یابد. تشکیلاتی مافیایی که بعدها در «سازمان روحانیت شیعه» در ایران، به کمال انسجام ساختاری و کارآمدی و گستردگی و سودآوری فراروید.

در این زمان شورای مرکزی مافیای مدینه تشکیل می شود که شامل محمد در مقام پدرخوانده و ده تن از لاشخورهای مکه و مدینه موسوم به عشره میشره از قرار ابوبکر - عمر - عثمان - علی - طلحة بن عبدالله - زبیر بن عوام - عبدالرحمن بن عوف - سعد بن ابی وقاص - سعید بن زید و ابو عبیده بن جراح است.

از این گروه دوتن به پدرخوانده نزدیک ترین بودند. عمر و علی.

عمر مردی زیرک و باهوش و در عین حال قسی القلب و دگم و راست کیش بود. از جنم آدم هایی که در قضاوتشان، برای کمترین گناه، اشد مجازات را در نظر می گیرند. بطوریکه فرزند خود را به جرم نوشیدن شراب تا کمی بیشتر از سرحد مرگ تازیانه می زند. (لازم به توضیح است که مفهوم گناه در مشرب مافیای مدینه به معنی مخالفت و سرپیچی از احکام پدرخوانده و یا همان پیامبر می باشد.) بعد از مرگ محمد و در دوره ای که عمر به مقام پدرخواندگی دست یافت، حوزه فعالیت و سیطره مافیای مدینه با درایت و سیاست وی به اقصی نقاط عالم گسترش یافت.

اما علی ابن ابی طالب ملقب به قتال العرب، گدازاده ای بی سواد و لمپن بود که به دلیل خوی وحشی گری و متجاوزش، هرکجا که محمد به کثیف ترین و رذیلانه ترین اعمال نیاز داشت، حاضر به یراق بود. قتل و ترور و سربریدن و مثله و پاره پاره کردن انسان ها و بوی خون علی را نشنه می ساخت. جالب اینجاست که سیرت علی بر خلاف معمول در اکثر افراد، اما در صورتش به کمال متجلی بود. قد کوتاه با پاهایی از بالاتنه کوتاهتر، بازوهای پیچ پیچ و قوی، شکم برآمده، دندان های پیش آمده، چشم های ورقلمبیده. علی الظاهر بسیار شبیه شرک بود. با این تفاوت که شرک هیولای نازنینی است. این دو تن پس از مرگ پدرخوانده مافیای مدینه، سرنوشت تاریخی آنچه را که بعدها به «دین اسلام» شهرت یافت و به شعبه ها و سازمان های تبهکاری ریز و درشت تقسیم شد، تا حدود زیادی دگرگون ساختند. البته شرح آنچه سپس تر بر این دگرگونی مترتب گردید موضوع این نوشتار کوتاه نیست. اما لازم است بدانیم که مافیای روحانیت شیعه که امروز بر ایران حاکم است، پیشینه و ریشه سازمان و تشکیلات خود را به علی منسوب می داند و بعد از محمد او را پدرخوانده می شمارد.

کلاً مافیای مدینه نظیر نمونه های مشابه آن در دوران معاصر ما از جمله مافیای سیسیل در ایتالیا و یا دارودسته آل کاپون در شیکاگوی نیمه اول قرن بیستم، حول دو محور و خواست و مطالبه اساسی اما با حاشیه های بسیار شکل گرفت: پول و زن.

مافیای مدینه برای نخستین بار با حمله به کاروانی تجاری در نقطه ای بنام بدر که کاروانیان برای استفاده از چاه های آب آن منطقه توقف کرده بودند و قتل عام بازرگانان و محافظان کاروان، مزه و طعم پول و طلای فراوان را چشیدند. قریب نهصد تن را به قتل رساندند و زنهای و بچه های همراه کاروان را به کنیزی و بردگی بردند. در این نوع پورش به کاروانها و قبایل، گاهی پدرخوانده مافیای مدینه بلافاصله و همان روز، به زنی که شوهر و برادران و بستگانش را به قتل رسانده و به کنیزی گرفته بود تجاوز می کرد.

در مرانامه مافیای مدینه که سال ها بعد به سرپرستی یکی از آدمهای محمد بنام عثمان گردآوری و تألیف شد و به قرآن موسوم گشت به صراحت از اهداف و مقاصد لاشخورهای مدینه سخن رفته است. به عنوان مثال پدرخوانده مافیای مدینه زمانی که آدم هایش از دزدی باز می گردند به آنان می گوید: "آنچه به غنیمت برده اید حلال و پاکیزه بخورید." یعنی کیفشو ببرید و هیچ هم وجدانتان معذب نباشد! هرچند صاحبان اموال را «فراز گردنشان را زده باشید و همه سرانگشتانشان را قلم کرده باشید.» انفال 12 و 69

همچنین در مرانامه مافیای مدینه آمده است که پدرخوانده مجاز است همسرانی که مهرشان را داده و کنیزانی که از غنیمت جنگی به دست آورده و دختران عموهایش و دختران عمه هایش و دختران دایی و خاله اش و زانی که خود را به او بخشیده اند... و کلاً تمام زن های روی زمین را بگاید! (احزاب 50)

پیش از این تاریخ، دزدها و راهزنان و حرامی های سرزمین حجاز و نجد و اطراف آن بصورت گروه های کوچک و پراکنده

و مستقل به کاروان هایی که غالباً کالاهایی را به مقصد شامات و روم حمل می کردند دستبرد میزدند و یا به قبیله ها و طایفه هایی با جمعیت کم که قدرت دفاع از خود نداشتند هجوم آورده و به قتل و غارت و برده گیری می پرداختند. اما محمد در مدینه اغلب این دارودسته های غارتگر را گردهم آورد و متحد و مجاب ساخت که تحت گروهی واحد و قوی، هم موفقیت بیشتری در دزدی ها و حملات خود به کاروان های تجاری و طوایف خواهند داشت و هم با هجوم به شهرها و سرزمین های آباد و ثروتمند دور و نزدیک درآمد و سهم بیشتری از غنایم نصیب آنان می شود.

در حقیقت محمد با تبیین «ایدئولوژی دزدی» که به دین اسلام شهرت یافت و تدوین مرامنامه مافیای مدینه که قرآن خوانده می شد، به غارت و چپاول رسمیت بخشید و چنان قداستی برای دزدی و قتل و غارت و برده داری تراشید که اگر راهزنی و جنایت و چپاول تا آن زمان فرضاً نزد برخی افراد نكوهیده بود و وجدان بعض راهزنان را گهگاه دچار عذاب می نمود، از آن پس دزدی و جنایت به عنوان کاری نیکو که بعد از مرگ نیز پاداشی برای آن در نظر گرفته شده عمومیت یافت و رفته رفته اکثریت مردم ساکن شبه جزیره در این شغل شریف به محمد پیوستند. از طرفی حضور اعضای وحشی مافیای مدینه که مسلمان خوانده می شدند، در میان هر قبیله و شهر و آبادی، آنچنان رعب و وحشت و اضطرابی در دل ساکنین می افکند که جملگی به خواسته ای آنان تن می دادند. مخالفت و مقاومت در برابر دزدان و جنایتکاران مدینه تقریباً غیرممکن بود.

دزدان مدینه زمانی که موفق شدند مکه را تصرف کنند و رؤسای گردن کلفت قبایل همچون ابوسفیان را با خویش همراه و هم پیمان نمایند، به چنان قدرت مخوفی دست یافتند که تقریباً هیچ نیروی معارضی در سرزمین عربستان قادر به مقابله با آنان نبود. در این زمان آدمها و شمشیرکش های محمد به همه سو گسیل بودند و از هر قبیله و عشیره ای طلب باج می کردند و چنانچه با مخالفت روبرو می شدند همه را قتل عام می کردند و زنان و کودکانشان را برده می ساختند و اموالشان را غارت می کردند. طبق مرامنامه مافیای مدینه یک پنجم از برده ها و اموال و غنایم سهم پدرخوانده می شد.

مافیای مدینه فریضه ای بنام «جهاد» برای اعضاء خود در نظر گرفت که طبق آن حداقل سالی یکبار موظف بودند به مردمان دیگر سرزمین ها حمله برند و آنان را غارت کنند. به این طریق هرگاه اموال و ثروت های مسروقه مصرف و تمام می شد، در فرصتی دیگر و با حمله و جهاد، برای سال پیش رو تأمین آذوقه و پول و برده و زن می کردند. این مرام و طریقه و شریعت، همان روشی است که بعدها به اقتصاد اسلامی و یا اقتصاد توحیدی معروف گشت.

(در ایران معاصر، اجرای اقتصاد توحیدی و نقش و وظیفه مجاهدان و جهادگران در صدر اسلام را بازاریان سنتی به عهده گرفته اند. یک پنجم از انفال و غنایمی را که جهادگران اسلام پس از قتل عام و غارت غیرمسلمانان به پدرخوانده های مافیای مدینه پرداخت می کردند، امروز بازاریان با غارت عامه مردم ایران به صورت خمس به مراجع تقلید و آیات عظام و سایر پدرخوانده های مافیای روحانیت شیعه می پردازند. بازاریان سنتی که مؤمنین و متدینین و شرکای واقعی مافیای اسلام را شامل می شوند، دست در دست روحانیت، فریضه جهاد با کافران و مشرکان یعنی سنت غارت مقدس در اسلام را به شکل بسیار زیرکانه ای با انحصار و احتکار نان و خوراک و مواد و نیازهای مصرفی جامعه باج می آورند. مافیای روحانیت شیعه نیز هرزمان که بازاریان با مشکلی مواجه شوند مانند جریان تنباکو به حمایت از منافع ایشان بر می خیزد. به غیر از بازاریان هیچ گروه و قشر و طبقه ای در ایران امروز بطور مستقیم خمس و زکات و سهم امام به آخوند نمی دهد.)

همانگونه که کم و بیش به نوع فعالیت گروه های مافیایی و گانگستری آشنایی داریم، می دانیم که این گروه ها در هر منطقه ای که فعالند با مراجعه به هتل ها و رستوران ها و فروشگاه ها و یا از افراد متمول طلب باج می کنند و چنانچه جواب رد بشنوند، گروهی را می فرستند تا این مکانها را به آتش بکشند و تخریب کنند. سپس آدمهایی دیگر از همان گروه با این ادعا که ما امنیت شما را تضمین خواهیم نمود باج خواهی می کنند.

نسبت گانگستریسم و تشکیلات مافیایی و یا تبه کاری سازمان یافته به دعوت و بشارت محمد، بیشتر از هرکجا در مفهوم «کافر ذمی» نمود و واقعیت می یابد. در منابع و مهملات اسلامی و در ذیل تعریف «کافر ذمی» آمده است: «کافر ذمی، غیرمسلمانی است که جان و مالش در پناه اسلام است».

جالب اینجاست که هیچ زمان هم به این سوال پاسخ داده نشد که مگر جان و مال غیرمسلمانان از جانب چه نیرویی به غیر از مجاهدان اسلام مورد تعرض واقع می شده که اسلام با از خودگذشتگی به نجات ایشان مأمور گشته است؟ نه تنها جان و مال غیرمسلمان که حتا جان و مال خود مسلمانان نیز همواره از جانب اسلام و مجاهدان اسلام مورد تجاوز و تعرض و تهدید بوده است. پیدایش و ابداع و اختراع اصل تقیه نزد شیعیان، تمهید و تهیه ای به جهت حفظ خود از تجاوز دیگر فرقه های اسلامی بوده است و هرگز هیچ نیرو و قدرت و گروهی به غیر از اسلام و مسلمانان و به دلیل تفاوت های ایمانی و عقیدتی و اندیشه ای و وجدانی کسی را مورد تعرض قرار نمی داده است. کافر ذمی باید پول و جزیه می داد تا جان و مالش را مجاهدان اسلام از تعرض خود مصون بدارند و در غیر این صورت باید مسلمان می شد و زکات می پرداخت. در هر حال باید باج می داد.

عبدالغنی الرصافی در کتاب «شخصیت محمدی» می نویسد:

«سرافه بن مالک نزد پیامبر بود. هنگامی که سرافه قصد بازگشت نمود، پیامبر به او گفت: ای سرافه نظرت چیست اگر دستبندهای کسرا را بدست خود کردی؟ سرافه گفت: منظورت کسرا فرزند هرمز است؟ محمد گفت: آری. در اینجا می بینیم که قصد محمد روشن و آشکار است، او می خواهد به سرزمین فارس دست یازد و دارایی کسرا را بچنگ بیاورد. حتما دستبندهایش را سرافه بن مالک مدلجی بدست خواهد کرد.»

محمد در جنگ خندق بار دیگر هدفش را آشکار ساخت، که در این باره حلبی و ابن هشام و سیره های خود از قول سلمان چنین نقل می کنند:

در قسمتی از خندق مشغول کندن بودم که با زمین سخت برخوردیم و پیامبر در نزدیکی من بود، چون دید کار بر من سخت شده است پایین آمد و کلنگ را از دستم گرفت و با آن، چنان ضربتی بر زمین کوبید که جرقه ای در زیر کلنگ برق زد، سپس ضربه ای دیگر و همان شد، و برای بار سوم باز هم جرقه زد، به او گفتم: ای رسول خدا این چه بود که با هر ضربه کلنگ برق زد؟ گفت تو هم آنرا دیدی سلمان؟ گفتم آری، گفت: در ضربه اول، الله یمن را برای من گشود، و در دومی شام و سمت غرب را و در سومی، الله سمت شرق را بر من گشود.

و در روایتی، هنگامی که کندن زمین سخت، بر سلمان مشکل گردید، رسول الله کلنگ را از دست او بگرفت و ضربتی بر آن سنگ زد، و یک سوم آنرا خرد کرد و برقی ظاهر شد، رسول الله تکبیر گفت و فرمود: کلیدهای یمن را دریافت کردم، دروازه های صنعا را از همین جایی که ایستاده ام همچون نیش سگان می بینم، سپس ضربت دوم را وارد کرد و یک سوم دیگر آنرا خرد کرد، و برقی از سمت روم ظاهر شد، رسول الله تکبیر فرمود و گفت: کلیدهای شام را دریافت کردم، بخدا قصرهای سرخ آنرا می بینم و ضربت سوم را فرود آورد، و باقیمانده سنگ را خرد کرد و جرقه ای پدیدار شد، رسول الله تکبیر فرمود و گفت: کلیدهای فارس را دریافت کردم، به خدا از همین جا که ایستاده ام، قصرهای حیره و مداین را همانند نیش های سگان می بینم، و شروع به وصف گوشه و کنارهای فارس برای سلمان کرد.»

هجوم گرازوار مسلمانان به ایران و تسلط مافیای مدینه بر جان و مال مردم ایران یکی از تلخترین و دردناکترین صفحات تاریخ ایرانزمین را رقم زده است. کفتارهای اسلام با شمشیرهایی برهنه به مدت دو قرن در دریایی از خون ایرانیان به پیش می تاختند. مردان جوان و زنان و کودکان را در زنجیر می کردند و در بازارهای برده فروشی مکه و مدینه به حراج می گذاشتند.

(امروز یقین بدانیم که اگر در زمان حیات خود محمد، مجاهدان و جهادگران و وحوش مسلمان به ایران هجوم آورده و ایرانیان را به اسارت می گرفتند و در بازارهای مکه و مدینه به عنوان برده و غلام به فروش می رساندند، قطعاً از میان آنان پهلوانی ایرانی مانند قاتلان عمر و علی پیدا می شد و برمی خاست تا محمد عرب را هم به درک واصل کند. همانطور که یک ایرانی بنام فیروز نهاوندی معروف به ابولؤلؤ عمرابن خطاب خلیفه دوم را به قتل رساند؛ همانطور که ایرانی اصیلی بنام بهمن جازویه ملقب به ابن ملجم علی ابن ابیطالب معروف به قاتل العرب را سقط کرد.)

قرن ها پس از هجوم وحوش مسلمان و لاشخورهای مدینه به ایران، مافیای مدینه به شکل سازمان روحانیت شیعه دگردیسی یافت. این تشکیلات مافیایی پس از سده ها که بصورت جنینی و انگلی به آشامیدن خون جامعه ایران مشغول بود، ناگهان در سال 57 با بورشی بی محابا ظهور کرد و بر تمامی منابع و ثروت های ملی ایران تسلط یافت. اموال و املاک و حتا خانه های شخصی افراد را مصادره کرد و یکصد هزار نفر را اعدام کرد و به قتل رساند و بالغ بر پنج میلیون تن را آواره ساخت. مافیای روحانیت شیعه در دوران جنینی و در دورانی که مردم ایران به خواب اسلامی عمیقی فرو رفته بودند، از محل خمس و زکات و سهم امام و موقوفات و کلاً آنچه که به وجوهات شرعی موسوم است، جهت توسعه سازمان تبهکاری و گانگستریسم شیعه استفاده می کرد و بر بستر مردابی حوزه های علمیه و مدارس مذهبی و مساجد و حسینیه ها و هیئت ها و تکایا، بطور سنتی با جذب فقرا و گرسنگان روستایی و حاشیه نشین و نیز جذب افرادی بی مصرف و مفتخور با ارواح تنبل و کاهل، مانند پشه و مگس تخم ریزی می کرد و بر خیل ناسخون می افزود و در حقیقت با عضوگیری بی وقفه و انبوه طلبه ها، سازمان مافیایی خود را گسترش می داد.

منوچهر جمالی ایرانیار بزرگ می نویسد:

" سکولاریسم اینست که: سرمایه ملت ایران، « غنیمت = انفال » نیست، و نباید « خرج دوام و ترویج شریعت اسلام » گردد، بلکه باید در « تضمین نیرومندی و رفاه ملت ایران »، سرمایه گذاری شود. خمس و زکات و اوقاف نیز، سرمایه ملت ایران محسوب میشوند.

خمس و زکات و اوقاف، باید تابع حاکمیت ملت گردد.

مسئله بنیادی دموکراسی و سکولاریزاسیون آنست که از دید حقوقی، « ملت، اینهمانی با خدا می یابد ». طبعاً هم قانونگذار و قاضی میشود و هم دارنده کل قدرت اقتصادی میشود، و می بایست کل اموال سازمانهای دینی (اوقاف) و علما و ملازمانشان را که از ملت، غصب کرده اند، مصادره کند و به خود بازگرداند. کلیه قدرتهای قضائی و حقوقی و اقتصادی، باید از علما و فقها و سازمانهایشان و ملازمانشان، سلب گردد."

بیش از سه دهه تجربه حکومت اسلام و حاکمیت و سلطه مطلق مافیای روحانیت شیعه بر ایران، به روشنی نشان داد که اسلام در یک کلام یعنی دزدی، یعنی تبهکاری و جنایت مداوم. اسلام آموزه ای است اهریمنی برای نفاق افکنی و ویرانگری. ایران آخور تاریخی اسلام است. گفتارهای اسلام در تمامی تاریخشان از ایران تغذیه کرده اند. نه فقط رشد و گسترش شوم و نکبت بار اسلام در حقیقت مدیون تهاجم قادسیه و چپاول ثروت های مردم ایران است، بلکه اسلام در هر برهه ای که دچار ضعف و ذبونی گشته با حمله مجدد به ایران و چپاول ثروت های ملت ایران دوباره فربه شده و خوک گرسنه وجودش را سیر و پروار کرده است. همانگونه که پس از هجوم سال 57 با غارت و مصادره اموال ملی و مردمی، مافیای روحانیت شیعه که به حقارت و گدایی و روضه خوانی و گورستان گردی دچار شده بود، جانی دوباره یافت.

به هوش باشیم که مافیای مدینه و مجاهدان و جهادگران اسلام برای سومین بار و این مرتبه در قالب اصلاح طلبان و ملی-مذهبی ها، با برافراشتن پرچم سبز الله و با پروژه «اسلام رحمانی» و به کمک قدرت های سلطه گر غربی که حفظ اسلام به عنوان اصلی ترین عامل عقب ماندگی جوامع مسلمان دغدغه آنهاست، قصد حمله به ایران دارند.

siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>